

نور هدی تابان شده طور تقی رخشان شده موسی بجان پویان شده
کھسار سیناء آمده
صبح جبین نور مبین و آن عارض گلگون ببین با لعل رنگینی چنین
آن غره غراء آمده
هر دم نسیمی میوزد بوی عبیری میرسد صبح امید میدم
غبراء نورا آمده
دریای حق پرموج شد هر موج از آن یک فوج شد و آن فوجها بر اوج شد
هر پست بالا آمده
صوت انا الحق هر زمان آید ز اوج آسمان می نشنود جز گوش جان
آذان صماء آمده
ابر گهر بار است این فیض درر بار است این نور شرر بار است این
انوار بهراء آمده
آفاق عنبر بار شد امکان پرانوار شد بس خفتها بیدار شد
تعبیر رؤیا آمده
عشق خدا خونریز شد عالم شررانگیز شد جام عطا لبریز شد
چون دور صهباء آمده